

اظهار نظر وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره مجوزهای شبکه نمایش خانگی

## پایان یک بلا تکلیفی

**محمد مهدی اسماعیلی: مسئولیت با سازمان سینمایی است**

**گروه فرهنگی/** مسئولیت تولید محتوا در شبکه

خانگی و دریافت مجوز در این حوزه با ساتراست یا سازمان سینمایی؟ پاسخ به این سؤال با وجود بحث‌های مختلفی که در یک سال گذشته انجام شده همچنان مبهم است. بیش از یک سال از بحث‌های مختلفی که درباره مرجع صدور مجوز سریال‌های نمایش خانگی در رسانه‌ها مطرح شده می‌گذرد اما همچنان روشن نیست که بالاخره مسئولیت در این حوزه با ساترا است یا سازمان سینمایی. همزمان با رسانه‌ای شدن آغاز فعالیت شورا‌های ساترا در حوزه تولید و نمایش، محمد مهدی اسماعیلی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تأکید کرده که مسئولیت شبکه نمایش خانگی با سازمان سینمایی است. در عین حال صحبت‌های وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی گویای آن است که او قصد دارد به دور از کشمکش و حجت‌ان و با تعامل و گفت‌وگوهای سازنده این مشکل را حل کند.

**■ در انتظار بازگشت انسجام**

نظرات محتوایی بر تولیدات نمایشی به دو شکل انجام می‌شود؛ صدور پروانه ساخت و صدور پروانه نمایش. پیش از این مسئولیت صدور مجوز محتوا (پروانه ساخت و نمایش) در شبکه نمایش خانگی، اعم از فیزیکی و مجازی با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بود. گذشت از اوایل امسال ماجرا تغییر کرد. اصناف سینمایی که در بیانیه‌های مختلف درخواست کردند که صدور مجوز ساخت با وزارت ارشاد باشد برای دریافت این مجوز به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مراجعه می‌کنند و سازمان سینمایی همچنان برای سریال‌ها و برنامه‌های ترکیبی درخواست پروانه صادر یا ثبت می‌کند. در این میان آنهایی که محتاط‌تر هستند طبق سفارش سرمایه‌گذار، علاوه بر مجوز این وزارتخانه، از ساترا هم مجوز دریافت می‌کنند، دسته سوم اما بدون

**■ محمد مهدی اسماعیلی: این بحث را در گفت‌وگوهای سازنده مطرح می‌کنیم**

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌تازگی در گفت‌وگو

درخواست از وزارت فرهنگ و ارشاد، به صورت مستقیم به ساترا مراجعه می‌کنند. از سوی دیگر نظارت بر پلتفرم‌ها را ساترا برعهده گرفته و همه پلتفرم‌ها مجبور هستند مجوز نمایش را از ساترا دریافت کنند.

در عین حال صاحبان آثار برای دریافت مجوز نمایش و نشر نسخه فیزیکی آن (دی‌وی‌دی) باید به سازمان سینمایی مراجعه کنند. عدم انسجام در این حوزه و همچنین نداشتن برنامه مشخص برای ممیزی، فعالان این عرصه را دچار سردرگمی کرده است. موضعگیری وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی مبنی بر اینکه سازمان سینمایی مسئولیت صدور مجوز وی‌وای‌ها را بر عهده دارد اهالی این حوزه را به پایان این بلا تکلیفی امیدوار کرده است.

**■ محمد مهدی اسماعیلی: این بحث را در گفت‌وگوهای سازنده مطرح می‌کنیم**

اسماعیلی در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفته است: «بحث‌ها روشن است و تقریباً نهاد‌هایی



تعیین تکلیف خواهد شد.

او در پاسخ به اینکه آیا نقش صداوسیما در این باره بیشتر خواهد شد؟ اعلام کرده: «این بحث را بنا داریم در گفت‌وگوهای سازنده‌ای مطرح کنیم.»

که این موضوع را در اختیار دارند بررسی کردند و گزارش‌های کاملاً کارشناسی ارائه دادند و کار کاملاً آماده است و در اختیار شورای عالی فضای مجازی قرار گرفته است و بزودی و ظرف مدت کوتاهی

نگاهی به فیلم «درخت گردو» ساخته محمد حسین مهدویان

# زخمی بر زخم و حجابی بر رنج

علیرضا نراقی  
منتقد

«درخت گردو» ساخته محمدحسین مهدویان شامل روایت و تصاویری است تکان‌دهنده درباره بمباران شیمیایی سردشت. فیلم با یک زمینه چینی آرام از زمان مرگ شخصیت اصلی خود - قادر مولان‌پور - در سال ۱۳۹۵ آغاز می‌شود و به همان آرامی وارد فضای روستای مرزن‌شین «مش‌رحمت» و مردم ساده و مشغول روزمرگی آن در ۷ تیر ۱۳۶۶ می‌شود و سرانجام به لحظه واقعه می‌رسد؛ واقعه‌ای که ۸۰۰ نفر را به‌شدت مجروح و ۱۱۰ نفر از جمله تمام خانواده قادر شامل همسر و سه فرزندش را در فرابندی بسیار رنج‌آور و کابوس‌وار از بین می‌برد.

عنصر محوری و ارزشمند فیلم توانمندی در نمایش این رنج و کابوس باورنکردنی است. «درخت گردو» با روایتی رخدادمحور در فیلمنامه و مستندنما در ساختار بصری خود، ادامه‌ای است بر همان سبک تصویری مهدویان در فیلم‌های پیش از «درخت گردو». دوربین همچون ناظر پنهان از دید، به شکلی بداهه‌نما در حال حرکت و زوم کردن روی وقایع و شخصیت‌هاست و واقعیت را به شکل باورپذیری نزدیک به همان رنگ و فضا و تشنجی که برای هر مخاطبی قابل تصویر است بازنمایی می‌کند. اما این سبک مستندنما در روند فیلم با موانعی نیز روبه‌روست. اولین مانع اتکای فیلمنامه بر راوی است. اشکالی که درخصوص راوی در این فیلم وجود دارد این است که فیلم با زاویه دید او همراه نیست، زاویه دید فیلم با هما، معلم آن روستا که واقعه را روایت می‌کند همپوشانی ندارد برای همین در اکثر موارد روایت راوی در همان اندازه اندک که هست، قابل حذف و حتی زائد است. از دیگرسو همین راوی حذف شدنی حضور یک‌دست و پیوسته ندارد و ورود پر رنگ‌اش در انتها، بیشتر نشان از تلاشی خارج از روند طبیعی درام،

افشا کننده این درد و راوی اصلی زخم

است. او به اندازه یک قوم، درون خانه

عصری در فیلم برجسته می‌شود که یکی

از مهمترین مسائل جمعی ما و بخصوص

رویکرد رسمی کشور از دیرباز تا همین امروز در

مواجهه با بحران بوده است؛ رویکرد «انکار».

تأکیدات فیلمنامه در چند نقطه حساس روی

برخورد انکارآمیز، بسیار هوشمند و قابل توجه

است و به وضوح علاوه بر شدت بخشیدن به

فضای سردرگم آن زمان، حجم درد و تأسف

را افزون می‌کند. رنج این رخداد خود بشدت

عظیم و عمیق است اما انکار این رنج با

دعوت به سکوت در باب آن، رنجی مضاعف

و زخمی بر زخم است.

تضاد قادر با زمینه رخداد شاید در همین

اصل نهفته است، قادر به نوعی سفیر



تصویر بکشد، اما در همان لحظات کوچکی

که از حضور نیروهای کنترل‌کننده می‌بینیم

عصری در فیلم برجسته می‌شود که یکی

از مهمترین مسائل جمعی ما و بخصوص

رویکرد رسمی کشور از دیرباز تا همین امروز در

مواجهه با بحران بوده است؛ رویکرد «انکار».

تأکیدات فیلمنامه در چند نقطه حساس روی

برخورد انکارآمیز، بسیار هوشمند و قابل توجه

است و به وضوح علاوه بر شدت بخشیدن به

فضای سردرگم آن زمان، حجم درد و تأسف

را افزون می‌کند. رنج این رخداد خود بشدت

عظیم و عمیق است اما انکار این رنج با

دعوت به سکوت در باب آن، رنجی مضاعف

و زخمی بر زخم است.

تضاد قادر با زمینه رخداد شاید در همین

اصل نهفته است، قادر به نوعی سفیر

افشا کننده این درد و راوی اصلی زخم

است. او به اندازه یک قوم، درون خانه

عصری در فیلم برجسته می‌شود که یکی

از مهمترین مسائل جمعی ما و بخصوص

رویکرد رسمی کشور از دیرباز تا همین امروز در

مواجهه با بحران بوده است؛ رویکرد «انکار».

تأکیدات فیلمنامه در چند نقطه حساس روی

برخورد انکارآمیز، بسیار هوشمند و قابل توجه

است و به وضوح علاوه بر شدت بخشیدن به

فضای سردرگم آن زمان، حجم درد و تأسف

را افزون می‌کند. رنج این رخداد خود بشدت

عظیم و عمیق است اما انکار این رنج با

دعوت به سکوت در باب آن، رنجی مضاعف

و زخمی بر زخم است.

تضاد قادر با زمینه رخداد شاید در همین

اصل نهفته است، قادر به نوعی سفیر

افشا کننده این درد و راوی اصلی زخم

است. او به اندازه یک قوم، درون خانه

عصری در فیلم برجسته می‌شود که یکی

از مهمترین مسائل جمعی ما و بخصوص

رویکرد رسمی کشور از دیرباز تا همین امروز در

مواجهه با بحران بوده است؛ رویکرد «انکار».

تأکیدات فیلمنامه در چند نقطه حساس روی

برخورد انکارآمیز، بسیار هوشمند و قابل توجه

است و به وضوح علاوه بر شدت بخشیدن به

فضای سردرگم آن زمان، حجم درد و تأسف

را افزون می‌کند. رنج این رخداد خود بشدت

عظیم و عمیق است اما انکار این رنج با

دعوت به سکوت در باب آن، رنجی مضاعف

و زخمی بر زخم است.

تضاد قادر با زمینه رخداد شاید در همین

اصل نهفته است، قادر به نوعی سفیر

افشا کننده این درد و راوی اصلی زخم

است. او به اندازه یک قوم، درون خانه

عصری در فیلم برجسته می‌شود که یکی

از مهمترین مسائل جمعی ما و بخصوص

رویکرد رسمی کشور از دیرباز تا همین امروز در

مواجهه با بحران بوده است؛ رویکرد «انکار».

تأکیدات فیلمنامه در چند نقطه حساس روی

برخورد انکارآمیز، بسیار هوشمند و قابل توجه

است و به وضوح علاوه بر شدت بخشیدن به

فضای سردرگم آن زمان، حجم درد و تأسف

را افزون می‌کند. رنج این رخداد خود بشدت

عظیم و عمیق است اما انکار این رنج با

دعوت به سکوت در باب آن، رنجی مضاعف

و زخمی بر زخم است.

تضاد قادر با زمینه رخداد شاید در همین

اصل نهفته است، قادر به نوعی سفیر

افشا کننده این درد و راوی اصلی زخم

است. او به اندازه یک قوم، درون خانه

عصری در فیلم برجسته می‌شود که یکی

از مهمترین مسائل جمعی ما و بخصوص

رویکرد رسمی کشور از دیرباز تا همین امروز در

مواجهه با بحران بوده است؛ رویکرد «انکار».

تأکیدات فیلمنامه در چند نقطه حساس روی

برخورد انکارآمیز، بسیار هوشمند و قابل توجه

است و به وضوح علاوه بر شدت بخشیدن به

فضای سردرگم آن زمان، حجم درد و تأسف

را افزون می‌کند. رنج این رخداد خود بشدت

عظیم و عمیق است اما انکار این رنج با

دعوت به سکوت در باب آن، رنجی مضاعف

و زخمی بر زخم است.

تضاد قادر با زمینه رخداد شاید در همین

اصل نهفته است، قادر به نوعی سفیر

افشا کننده این درد و راوی اصلی زخم

است. او به اندازه یک قوم، درون خانه

عصری در فیلم برجسته می‌شود که یکی

از مهمترین مسائل جمعی ما و بخصوص

رویکرد رسمی کشور از دیرباز تا همین امروز در

مواجهه با بحران بوده است؛ رویکرد «انکار».

تأکیدات فیلمنامه در چند نقطه حساس روی

برخورد انکارآمیز، بسیار هوشمند و قابل توجه

است و به وضوح علاوه بر شدت بخشیدن به

فضای سردرگم آن زمان، حجم درد و تأسف

را افزون می‌کند. رنج این رخداد خود بشدت

عظیم و عمیق است اما انکار این رنج با

دعوت به سکوت در باب آن، رنجی مضاعف

و زخمی بر زخم است.

تضاد قادر با زمینه رخداد شاید در همین

اصل نهفته است، قادر به نوعی سفیر

افشا کننده این درد و راوی اصلی زخم

است. او به اندازه یک قوم، درون خانه

عصری در فیلم برجسته می‌شود که یکی

از مهمترین مسائل جمعی ما و بخصوص

رویکرد رسمی کشور از دیرباز تا همین امروز در

مواجهه با بحران بوده است؛ رویکرد «انکار».

تأکیدات فیلمنامه در چند نقطه حساس روی

برخورد انکارآمیز، بسیار هوشمند و قابل توجه

است و به وضوح علاوه بر شدت بخشیدن به

فضای سردرگم آن زمان، حجم درد و تأسف

را افزون می‌کند. رنج این رخداد خود بشدت

عظیم و عمیق است اما انکار این رنج با

دعوت به سکوت در باب آن، رنجی مضاعف

و زخمی بر زخم است.

تضاد قادر با زمینه رخداد شاید در همین

اصل نهفته است، قادر به نوعی سفیر

افشا کننده این درد و راوی اصلی زخم

است. او به اندازه یک قوم، درون خانه

عصری در فیلم برجسته می‌شود که یکی

از مهمترین مسائل جمعی ما و بخصوص

رویکرد رسمی کشور از دیرباز تا همین امروز در

مواجهه با بحران بوده است؛ رویکرد «انکار».

تأکیدات فیلمنامه در چند نقطه حساس روی

برخورد انکارآمیز، بسیار هوشمند و قابل توجه

است و به وضوح علاوه بر شدت بخشیدن به

فضای سردرگم آن زمان، حجم درد و تأسف

را افزون می‌کند. رنج این رخداد خود بشدت

عظیم و عمیق است اما انکار این رنج با

دعوت به سکوت در باب آن، رنجی مضاعف

و زخمی بر زخم است.

تضاد قادر با زمینه رخداد شاید در همین

اصل نهفته است، قادر به نوعی سفیر

افشا کننده این درد و راوی اصلی زخم

است. او به اندازه یک قوم، درون خانه

عصری در فیلم برجسته می‌شود که یکی

از مهمترین مسائل جمعی ما و بخصوص

رویکرد رسمی کشور از دیرباز تا همین امروز در

مواجهه با بحران بوده است؛ رویکرد «انکار».

تأکیدات فیلمنامه در چند نقطه حساس روی

برخورد انکارآمیز، بسیار هوشمند و قابل توجه

است و به وضوح علاوه بر شدت بخشیدن به

فضای سردرگم آن زمان، حجم درد و تأسف

را افزون می‌کند. رنج این رخداد خود بشدت

عظیم و عمیق است اما انکار این رنج با

دعوت به سکوت در باب آن، رنجی مضاعف

و زخمی بر زخم است.

تضاد قادر با زمینه رخداد شاید در همین

اصل نهفته است، قادر به نوعی سفیر

افشا کننده این درد و راوی اصلی زخم

است. او به اندازه یک قوم، درون خانه

عصری در فیلم برجسته می‌شود که یکی

از مهمترین مسائل جمعی ما و بخصوص

رویکرد رسمی کشور از دیرباز تا همین امروز در

مواجهه با بحران بوده است؛ رویکرد «انکار».

تأکیدات فیلمنامه در چند نقطه حساس روی

برخورد انکارآمیز، بسیار هوشمند و قابل توجه

است و به وضوح علاوه بر شدت بخشیدن به

فضای سردرگم آن زمان، حجم درد و تأسف

را افزون می‌کند. رنج این رخداد خود بشدت

عظیم و عمیق است اما انکار این رنج با

دعوت به سکوت در باب آن، رنجی مضاعف

و زخمی بر زخم است.

تضاد قادر با زمینه رخداد شاید در همین

اصل نهفته است، قادر به نوعی سفیر

افشا کننده این درد و راوی اصلی زخم

است. او به اندازه یک قوم، درون خانه

عصری در فیلم برجسته می‌شود که یکی

از مهمترین مسائل جمعی ما و بخصوص

رویکرد رسمی کشور از دیرباز تا همین امروز در

مواجهه با بحران بوده است؛ رویکرد «انکار».

تأکیدات فیلمنامه در چند نقطه حساس روی

برخورد انکارآمیز، بسیار هوشمند و قابل توجه

است و به وضوح علاوه بر شدت بخشیدن به

فضای سردرگم آن زمان، حجم درد و تأسف

را افزون می‌کند. رنج این رخداد خود بشدت

عظیم و عمیق است اما انکار این رنج با

دعوت به سکوت در باب آن، رنجی مضاعف

و زخمی بر زخم است.

تضاد قادر با زمینه رخداد شاید در همین

اصل نهفته است، قادر به نوعی سفیر

افشا کننده این درد و راوی اصلی زخم

است. او به اندازه یک قوم، درون خانه

عصری در فیلم برجسته می‌شود که یکی

از مهمترین مسائل جمعی ما و بخصوص

رویکرد رسمی کشور از دیرباز تا همین امروز در

مواجهه با بحران بوده است؛ رویکرد «انکار».